

DOR: 20.1001.1.26455714.1401.6.1.9.6

Investigating the Quranic style of repetition and its types and functions in Abul Futūh Rāzī' interpretation

(Received: 2022-08-21 Accepted: 2022-11-14)

Ali Ali Mohammadi¹Ali Reza Baqer²Simin Valavi³

Rawz al-jinan and rawh al-janan, written by Abu al-Futuh Razi, is one of the most important Persian interpretations of the sixth century A.H that has been researched in various aspects and angles, including theological, doctrinal, jurisprudential and lexical issues as well as the writing style of the work and its prose and the translation of the Quran. Despite this fact, rhetorical issues, especially semantics and Quranic rhyme, have not received much attention in aforementioned interpretation from scholars in the field of the Quran and rhetoric. 'Repetition', considered as one of the important Quranic styles and one of the topics of semantics, constitutes the subject of this article. In this article, the authors have attempted to explore and explain the style 'repetition' in aforementioned interpretation in a descriptive-analytical and library manner. To do this, after having introduced aforementioned style from a lexical and idiomatic point of view et mentioned different types of 'repetition', the authors examined its place in this interpretation and they came to the conclusion that Abu al-Futuh focused on the method 'repetition' and that he explained its functions, implications and concepts and that he justified its different uses in the Quran, which can be a basis for further research on his points of view and rhetoric ideas. In addition to being influenced by other researchers and commentators.

Keywords: "repetition", "semantics", "Rawzal-Jinān and Rawh al-Janān", "surah al-Kafirun "

سال ششم

شماره اول

پیاپی: ۱۰

بهار و تابستان

۱۴۰۱

1) PhD student, Department of Quran Sciences and Hadith, Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Ali.mohammadi7676@yahoo.com

2) Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (The Corresponding Author) Email: Ali.baqer@iauctb.ac.ir

3) Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Arabic Language and Literature, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: Sim.valavi@iauctb.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



مقاله علمی - پژوهشی، صص ۱۴۱-۱۶۱

DOR: 20.1001.1.26455714.1401.6.1.9.6

بررسی اسلوب تکرار قرآنی و گونه‌ها و کارکردهای آن در تفسیر ابوالفتوح رازی (بررسی موردی سوره کافرون)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱-۰۵-۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱-۰۸-۲۳)

علی علی محمدی^۱، دکتر علیرضا باقر^۲، دکتر سیمین ولوی^۳

چکیده

رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ اثر ابوالفتوح رازی از مهم‌ترین تفسیرهای سده ششم هجری است که درباره جنبه‌های گوناگون آن پژوهش شده‌است. اما مباحث بلاغی به‌ویژه، علم معانی و نظم قرآنی در این تفسیر چندان محل توجه پژوهشگران نبوده‌است. «تکرار» که یکی از اسلوب‌های مهم قرآنی و از مباحث علم معانی به‌شمار می‌رود، موضوع مقاله حاضر است. نویسندگان در این مقاله کوشیده‌اند با شیوه تحلیلی-توصیفی، اسلوب «تکرار» را در این تفسیر بررسی و تبیین کنند. بر این اساس، پس از معرفی لغوی و اصطلاحی و ذکر انواع مختلف «تکرار» و بررسی انواع و کارکردهای آن در تفسیر ابوالفتوح، آیات سوره کافرون را در این تفسیر بررسی کرده و دریافته‌اند که ابوالفتوح رازی بدین اسلوب اهتمام داشته و به تبیین کارکردها و دلیل کاربردهایش در قرآن کریم پرداخته که می‌تواند زمینه‌ای برای پژوهش‌های نوین درباره دیدگاه‌ها و اندیشه‌های بلاغی این مفسر باشد.

واژگان کلیدی: سوره کافرون، تفسیر رَوْضُ الْجَنَانِ وَ رَوْحُ الْجَنَانِ، ابوالفتوح رازی، تکرار، علم معانی.

۱) دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث و زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: Ali.mohammadi7676@yahoo.com

۲) استادیار گروه علوم قرآن و حدیث و زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). ایمیل: Ali.baquer@iauctb.ac.ir

۳) دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث و زبان و ادبیات عرب، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. ایمیل: Sim.valavi@iauctb.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



سال ششم
شماره اول
پیاپی: ۱۰
بهار و تابستان
۱۴۰۱

۱. مقدمه

از ویژگی‌های مهم تفسیرهای سده ششم هجری، توجه مفسران به مباحث زبانی و بلاغی است. یکی از عوامل مهم این رویکرد را باید در نتیجه پژوهش‌های عالمان و بلاغیان دانست که از اوایل سده سوم، اندیشه ماندناپذیری قرآن کریم را مطرح کردند. به‌باور آنان در آوردگاه اندیشه، قرآن کریم، چه به‌لحاظ محتوا، و چه به‌لحاظ لفظ، هم‌اورد ندارد که اندک‌اندک این موضوع عنوان «اعجاز» به خود گرفت؛ عنوانی که در پژوهش‌های علمی-ادبی نشانگر تقلیدناپذیری شد و در نمایاندن خارق‌العاده بودن قرآن به‌کار رفت. واژه اعجاز، متأثر از جاحظ و دیگر اندیشمندان و ادیبان متقدم مسلمان که بر فصاحت و بلاغت قرآن تأکید داشتند، به‌نحوی فزاینده با اسلوب بلاغی والا و دست‌نیافتنی قرآن گره خورد. (رک: بلاطه، ۱۳۹۴ش: ۲۰۳) از این سده به بعد، تألیفات درباره اعجاز قرآن، پیوسته رو به فزونی نهاد و اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی در این باره مطرح شد که اوج آن‌ها را باید تألیف کتاب «دلائل الاعجاز» عبدالقاهر جرجانی در سده پنجم دانست. وی در این اثر، همه ملاحظات بلاغی مرتبط با اعجاز قرآن و نیز مباحث لغت، نحو، خطابه و نقد را جست‌وجوگرانه مطالعه کرد و موفق شد نظریه «نظم» و علم معانی و بیان را پایه‌گذاری کند. (رک: ضیف، ۱۳۹۶ش: ۲۸۷) پس از آن، مفسران در آثارشان به مباحث زبانی و بلاغی اهتمام ورزیدند که از میان آن‌ها می‌توان کشف زمخشری، مجمع البیان طبرسی، روض الجنان و روح الجنان ابوالفتوح رازی و مفاتیح الغیب فخر رازی را برشمرد.

روض الجنان و روح الجنان از مهم‌ترین تفسیرهای سده ششم است که «گرچه اولین تفسیر پارسی نیست، ولی گسترده‌ترین و مفصل‌ترین تفسیر زبان پارسی تا بدان روزگار است.» (مهدوی‌راد، ۱۳۶۶ش: ۶۴) ابوالفتوح در این تفسیر «در ادب، بیان، صرف، نحو، لغت و امثال آن، غایت جهد را به‌کار برده و منتهای تحقیق به عمل آورده و از هیچ جهت فروگذار نکرده است. آن اندازه شواهد از اشعار عرب و امثال که برای بیان لغات و قواعد عربیت آورده، در هیچ‌یک از تفاسیر؛ مانند کشف و تفسیر طبری نیاورده‌اند.» (ابوالفتوح رازی، ۱۳۵۲ش: ۱/۲۴-۲۵، مقدمه شعرانی) این مفسر با آگاهی‌های گسترده‌اش از فرهنگ اسلامی، تفسیرش را از اطلاعات سودمند و مباحث ارزنده گوناگون آکنده است. (رک: مهدوی‌راد، ۱۳۶۶ش: ۶۴) بخشی از این اطلاعات و مباحث به حوزه زبان و بلاغت باز می‌گردد که در میان تفسیرهای متقدم فارسی کم‌نظیر می‌نماید.

درباره جنبه‌های مختلف این تفسیر از جمله مسائل کلامی، اعتقادی، فقهی و لغوی و نیز سبک نگارش اثر و ترجمه قرآن در آن، پژوهش‌های سازمانی صورت گرفته است که برخی از آن‌ها عبارتند از: «مباحث علوم قرآن در تفسیر ابوالفتوح رازی» (اعتمادی، ۱۳۸۰ش)؛ «ویژگی‌ها و منهج تفسیری روض الجنان»، (اسلامیه، ۱۳۸۴ش)؛ «بررسی سبک تفسیری ابوالفتوح رازی» (نبی‌لو، ۱۳۸۴ش)؛ «تأویل در تفسیر روض الجنان و روح

الجنان» (سجادی، ۱۳۸۴ش) و «پژوهشی تحلیلی پیرامون انواع سیاق، در تفسیر روض الجنان و روح الجنان» (مظفری، ناعمی، اشکوری و بابایی، ۱۳۹۹ش). همچنین مقاله‌ها و جستارهایی در فصلنامه «بینات» (ش ۴۷، پاییز ۱۳۸۴ش)، مجله «آینه پژوهش» (ش ۹۵، آذر و دی ۱۳۸۴ش)، «مجموعه مقالات کنگره شیخ ابوالفتوح رازی رحمه الله (روش تفسیری ۲-۱)» (دارالحديث، ۱۳۸۴ش) و «شناخت‌نامه شیخ ابوالفتوح رازی رحمه الله (علوم قرآن در تفسیر روض الجنان)» (دارالحديث، ۱۳۸۴ش) منتشر شده است. اما درباره مباحث بلاغی و به‌ویژه، علم معانی و نظم قرآنی در این تفسیر، پژوهشی صورت نگرفته است. در حالی که بررسی اندیشه‌های بلاغی ابوالفتوح رازی و تبیین مباحث مختلف علم بلاغت در این تفسیر سترگ، اهمیت بسیاری دارد و می‌تواند راه‌گشای پژوهش‌های افزون‌تری در این زمینه باشد. یکی از این مباحث، اسلوب «تکرار» است که در زیرمجموعه علم معانی و فن اطناب طبقه‌بندی می‌شود. (رک: التفتازانی، ۱۳۸۳ش: ۱۷۷) «تکرار» در قرآنی که در اوج بلاغت و قله فصاحت است، پرسش‌برانگیز است؛ زیرا با بلاغت ناهمگون می‌نماید. از این رو، عالمان و مفسران در حوزه مباحث بلاغت، به تحلیل و بیان دلایل آن پرداخته‌اند تا نشان دهند که تکرار در قرآن نه تنها با بلاغت ناهمسو نیست که از نمونه‌های والای بلاغت است. ابوالفتوح نیز از همین زاویه به موضوع تکرار نگریسته و گونه‌های مختلف آن را با تحلیل و چگونگی کاربرد آن در تبیین و تفسیر و نمایاندن اعماق معارف قرآنی گزارش کرده است.

نویسندگان در این مقاله می‌کوشند بدین پرسش پاسخ دهند که «تکرار» چه جایگاهی در تفسیر روض الجنان و روح الجنان دارد؟ بر این اساس، با شیوه تحلیلی-توصیفی و به روش کتابخانه‌ای، رویکرد ابوالفتوح را در بررسی این اسلوب در آیه‌های قرآنی به‌طور عام و سوره کافرون به‌طور خاص، تبیین و تحلیل می‌کنند.

۲. تعریف تکرار

واژه «تکرار» را می‌توان از جنبه‌های متعددی تعریف کرد:

۲.۱. تکرار در لغت

تکرار مصدر ماده «کرر» است: «كَرَّرَ عَلَيْهِ يَكْرُرُ كَرًّا وَكُرُورًا وَتَكَرَّرًا». (ابن سیده، ۱۴۲۱ق: ۶۵۲/۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۲ق: ۶۴/۱۲؛ الفیروزآبادی، بی تا: ۱۲۵/۲) برخی نیز تکرار را مصدر باب تفعیل می‌دانند: «كَرَّرْتُ الشَّيْءَ تَكَرَّرًا وَتَكَرَّرًا». (الجوهری، ۱۴۰۷ق: ۸۰۵/۲؛ مجمع اللغة العربیة بالقاهرة، بی تا: ۷۸۲/۲) این واژه در هر دو ساخت، به معنای بازگویی قول یا انجام دادن مجدد عملی است. براساس رأی دوم، تکرار مصدر غیرقیاسی باب تفعیل است. برخی هم معتقدند که همان مصدر قیاسی باب «تفعیل» است که «الف» آن عوض از «یاء» است. (رک: الزرکشی، ۱۴۱۰ق: ۹۵/۳-۹۶)

۲.۲. تکرار در اصطلاح بلاغی

تکرار در زیبایی‌شناسی هنر از مسائل اساسی است، و باید آن را یکی از مختصات سبک ادبی قلمداد کرد. (رک: شمیسا، ۱۳۸۶ش: ۸۳) این اسلوب در علم معانی^۱، زیرمجموعه فن اطناب^۲ است که «از تأکید بلیغ‌تر بوده و از محاسن فصاحت به‌شمار می‌آید.» (سیوطی، ۱۳۸۰ش: ۲/۲۱۳) «اگر تکرار و ذکر کلمه‌ای در مرتبه دوم، حاوی نکته‌ای باشد، پسندیده و جزء اطناب است، در غیر این صورت تطویل محسوب می‌شود؛ مانند تأکید انذار در آیه‌های ﴿كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ (التکائر/۳-۴)». (الفتازانی، ۱۳۸۳ش: ۱۷۷؛ همو، ۱۳۹۲ش: ۲۸۲) زبیدی در مدخل تکرار لغتنامه‌اش از سیوطی نقل می‌کند که برخی از عالمان بلاغت معتقدند که شرط تأکید، اتصال است و اینکه بیش از سه‌بار تکرار نشده باشد. بر این اساس، آیه ﴿فَبَأَى آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ در سوره الرحمن و ﴿وَيَلِّ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ﴾ در سوره مرسلات که بیش از سه‌بار و در فواصل مختلف تکرار شده‌اند، صرفاً تکرارند؛ نه تأکید. (رک: الزبیدی، بی تا: ۲۷/۱۴) سیوطی در الاقنآن نیز به این مسأله اشاره کرده‌است. (نک: سیوطی، ۱۳۸۰ش: ۲/۲۱۵) زمخشری درباره فایده و کارکرد این اسلوب می‌گوید: «تکرار موجب تثبیت معانی در جان‌ها می‌شود. آیا نمی‌دانی که فقط تکرار، روش حفظ دانش‌هاست. هرچه تکرار بیشتر شود، در دل استوارتر، در فهم عمیق‌تر، در حافظه ماندگارتر و از فراموشی دورتر می‌شود.» (الزمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/۳۳۴) این اسلوب، حاوی کارکردهای دیگری از جمله تقریر و تثبیت، مبالغه، تعظیم، تهویل، تخصیص، تمکین، خوف نسیان، تعجب، تعدد متعلق، استیعاب، و... نیز هست. (رک: الزرکشی، ۱۴۱۰ق: ۳/۱۱۶۹۸؛ سیوطی، ۱۳۸۰ش: ۲/۲۱۶-۲۱۵؛ التهانوی، ۱۹۹۶م: ۱/۵۰۳-۵۰۴؛ یعقوب و عاصی، ۱۴۳۲ق: ۱/۱۶۶۷) یکی از قرآن‌پژوهان معاصر، تقسیم‌بندی جدیدی از این کارکردها به دست داده که عبارتند از: تکرار تأکیدی، انگیزه‌های روان‌شناختی تکرار، کارکردهای تربیتی تکرار و تکرار در ادب و هنر. (رک: خرقانی، ۱۳۹۲ش: ۲۴۰-۲۴۶؛ همو، ۱۳۹۸ش: ۱۰۶-۱۰۷)

۳. انواع تکرار در قرآن کریم

تکرار آیه‌های قرآن، چه با الفاظ مشترک، و چه با الفاظ مختلف، چنانکه برخی از تنگ‌نظران تصور می‌کنند، خالی از فواید و اسرار نیست. اگر خدای متعال، آیه‌ای را با لفظ خاصی در جایی آورده، آنگاه آن را در فرازی دیگر و با لفظی دیگر، دوباره ذکر کند، قطعاً نشان از حکمتی دارد که در آن فراز، می‌طلبیده ذکر شود. (رک: الخطیب الاسکافی، ۱۴۱۸ق: ۱/۱۱۱) اسلوب تکرار در قرآن، ناظر به آیه‌هایی است که لفظ، عبارت، جمله، مضمون و یا

(۱) برخی از عالمان، تکرار را در علم بدیع، طبقه‌بندی کرده‌اند: برای مثال، ابومحمد قاسم سجلماسی در کتاب المنزح البدیع فی تجنیس اسالیب البدیع تکرار را از ابواب بدیع برشمرده و باب دهم را بدان اختصاص داده است. وی، تکرار را به لفظی و معنوی تقسیم کرده و انواعی مانند مشاکله و تجنیس را در آن داخل می‌سازد. (به‌نقل از خرقانی، ۱۳۹۲ش: ۲۳۸)

(۲) فتازانی می‌گوید: «اطناب عبارت است از اینکه گوینده، مقصود خود را با الفاظی افزون‌تر از حد معمول ولی با فایده بیان کند.» (الفتازانی، ۱۳۹۲ش: ۲۶۹؛ نقیب‌زاده، ۱۳۹۸ش: ۱۴۲)

معنایی از آن در همان آیه یا آیه‌ای دیگر از همان سوره یا سوره‌ای دیگر تکرار شده باشد. این اسلوب به صورت «لفظی» و «معنوی» در قرآن کریم به کار رفته است.

۳. ۱. تکرار لفظی

تکرار لفظی به گونه‌های مختلفی انجام می‌پذیرد:

۳. ۱. ۱. تکرار یک حرف: مانند تکرار حرف «س» در سوره ناس که تصویری از موقعیت و تجسمی از دلالت آن است و معنای مورد نظر با تکیه بر آهنگ ابراز می‌شود. (رک: الکواز، ۱۳۸۶ش: ۳۰۹)

۳. ۱. ۲. تکرار یک لفظ: مانند تکرار فعل «تَوَاصَوْا» در آیه ﴿وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾ (عصر/۳) که کاربرد آن به دلیل وجود دو وصف «الْحَقِّ» و «الصَّبْرِ» است. در این آیه، هر فعلی با مفعول جداگانه‌ای آمده تا هریک از این دو وصف، مورد تأکید قرار گیرند. (رک: عبدالرئوف، ۱۳۹۰ش: ۴۲۱-۴۲۲)

۳. ۱. ۳. تکرار یک جمله یا آیه کامل: این نوع تکرار چند گونه است:
- در یک سوره و در کنار هم مانند ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (انشراح/۶۵)؛
- در فواصل آیه‌های یک سوره مانند ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ (الرحمن/۱۳، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۳، ۲۵، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۴۷، ۴۹، ۵۱، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۱، ۷۳، ۷۵، ۷۷)؛

- در سوره‌های مختلف مانند ﴿وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ (بقره/۵۷)؛
اعراف/۱۶۰)

۳. ۲. تکرار معنوی

تکرار معنوی عبارت است از: تکرار یک مضمون و معنا که با الفاظ مختلفی در دو یا چند فراز تکرار می‌شود. همچنین گاهی یک سرگذشت یا داستان قرآنی با جمله‌ها و عبارت‌های متفاوتی در دو یا چند سوره مختلف تکرار می‌شوند؛ مانند تکرار سرگذشت انبیاء از جمله حضرت آدم، حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت سلیمان (ع). (رک: سیوطی، ۱۳۸۰ش: ۲۱۸-۲۲۰؛ ابوزهره، ۱۳۷۰ش: ۱۹۶-۲۷۰؛ عبدالرئوف، ۱۳۹۰ش: ۴۳۳-۴۳۶)

۴. تکرار در تفسیر ابوالفتوح رازی

تکرار از جمله اسلوب‌های قرآنی است که ابوالفتوح رازی بسیار بدان پرداخته، و انواع مختلف آن را بررسی کرده است. وی ضمن تبیین کارکردهای آن‌ها، دلیل کاربردها را نیز تشریح می‌کند. ابوالفتوح در آیه ۸۴ سوره آل عمران درباره دلایل کاربرد تکرار در قرآن کریم

بحث کرده و می‌گوید: «تکرار، نوعی فصاحت است در جای خود؛ نه برای عی^۱ گوینده باشد، و این در کلام عرب بسیار است، و غرض از این تأکید باشد و تقریر کلام با مخاطب.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۴۱۶/۴-۴۱۸) با توجه به بحث‌های ابوالفتوح درباره اسلوب تکرار، می‌توان آن را به انواع مختلف زیر تقسیم کرد:

۴. ۱. تکرار لفظی

خود تکرار لفظی نیز انواعی دارد که عبارتند از:

۴. ۱. ۱. تکرار یک لفظ

ابوالفتوح رازی در تفسیر آیه ﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ (مائده/۹۳) درباره تکرار فعل «اتَّقَوْا» چند وجه را بیان کرده و می‌گوید: «یکی آنکه مراد فایده مختلف است. برای آن تکرار کرد مراد به اول اتِّقَاءِ معاصی است و به دوم استمرار و استدامت بر آن و به سهام اتِّقَاءِ مظالم العباد. و وجهی دگر در حسن تکرار آن است که روا بود که مراد به اتِّقَاءِ اول اتِّقَاءِ باشد از معاصی که در گذشته روزگار کرده باشند. نبینی که قولی آن است که سبب نزول آیت حدیث گذشتگان بود که خمر خورده بودند پیش تحریم او و به دوم، مراد اتِّقَاءِ معاصی باشد در حال و به سهام مراد استقبال باشد.» (همان: ۱۴۰/۷) ابوالفتوح همانند شیخ طوسی و زمخشری همین دیدگاه را درباره دلیل تکرار «اتَّقَوْا» بیان کرده است. (رک: الزمخشری، ۱۴۰۷ق: ۶۷۶/۱؛ الطوسی، بی تا: ۲۰/۴)

۴. ۱. ۲. تکرار جمله و آیه

ابوالفتوح، تکرار آیه را نیز بررسی می‌کند؛ برای مثال، درباره حسن تکرار ﴿فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ (توبه/۵۵) و ﴿وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾ (توبه/۸۵) در سوره توبه به نقل از ابوعلی می‌گوید: «ممتنع نباشد که این دو آیت برای دو گروه از منافقان آمده باشد در دو وقت، و چون آیت وارد است مورد مذمت نفاق و اهلس، و وعظ مؤمنان و تحذیر ایشان از آنکه چشم دارند به مال و فرزندان، و غبط کنند بر آن منافقان را، و معلوم است که آنچه چنین باشد از وعظ و تحذیر و تذکیر، تکرار در او نیکو باشد.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۳۱۷/۹)

۴. ۲. تکرار معنوی

ابوالفتوح، به تکرار معنوی نیز توجه داشته‌است و دلایل آن را نیز بررسی کرده‌است

(۱) درمانده و عاجز کردن.

که نشان از نکته‌سنجی‌های وی دارد؛ برای مثال، وی در آیه ﴿وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكُعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ﴾ (بقره/۴۳) درباره دلیل باز گفتن «وَارْكُعُوا» با وجود ذکر «أَقِمْوَا الصَّلَاةَ» می‌گوید: «خطاب با جهودان است که ایشان در نماز رکوع نکنند. جوابی دیگر آن است که: تخصیص کرد به ذکر این را، چنانکه: ﴿وَمَلَأْنٰكُمۡهُ وَرُسُلِهٖ وَجِبْرِیْلَ وَمِیكَاۗلَ﴾ (بقره/۹۸). (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱/۲۴۶-۲۴۵) برخی نیز بر این باورند که این تکرار برای تأکید است. (رک: الطوسی، بی تا: ۱۹۶/۱؛ البقاعی، ۱۴۲۷ق: ۱/۲۴) ابوالفتوح در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا﴾ (آل عمران/۱۳۰) نیز می‌گوید: «در تکرار این حکم اینجا با آنکه در سوره بقره گفته بود: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾، دو وجه گفتند: یکی تأکید و توثیق تحریم را، و دیگر آنکه: اینجا به لفظ تحریم است، و اینجا به لفظ نهی تا معلوم شود که تحریم او علی‌أبلغ الوجوه است.» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۵/۶۴-۶۵)

۵. کارکردهای تکرار از دیدگاه ابوالفتوح رازی

کاربرد اسلوب تکرار در قرآن کریم کارکردها و مفاهیم مختلفی دارد. چنانکه اشاره رفت، عالمان بلاغت و مفسران مهم‌ترین کارکرد این اسلوب را تأکید می‌دانند. در کنار آن کارکردهای دیگری از جمله «تقریر و تثبیت»، «مبالغه»، «تعظیم»، «تهویل»، «تخصیص»، «خوف نسیان»، «تعجب»، «تعدد متعلق»، «استیعاب» و... ذکر شده است. ابوالفتوح نیز مهم‌ترین کارکرد تکرار را تأکید می‌داند. به‌باور وی تکرار از فنون کلام عرب بوده و برای تأکید است. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۰/۴۳۵)

وی، کارکردهای مختلفی از کاربرد تکرار در قرآن را تبیین ساخته است که در ادامه با ذکر مثال‌هایی تبیین می‌شوند:

۵.۱. تأکید

ابوالفتوح، در آیه‌های بسیاری به کارکرد تأکید در اسلوب تکرار اشاره کرده است. وی درباره فایده تکرار «وَقُلْنَا اهْبِطُوا» در آیه‌های ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ﴾ (بقره/۳۶) و ﴿قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى﴾ (بقره/۳۸) با بیان اینکه فایده آن تأکید است، در بیان دلیل این تکرار می‌گوید: به هبوط اول نزول خواست از بهشت به آسمان دنیا، و به دوم نزول خواست از آسمان دنیا به زمین (رک: همان: ۱/۲۳۳-۲۳۴) زمخشری نیز کارکرد این تکرار را برای تأکید می‌داند. (رک: الزمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/۱۲۹)

این مفسر، کارکرد تکرار فعل «لَا تَحْسَبَنَّ» در آیه ﴿لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَنْتَوَا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ بِمَقَازَةِ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (آل عمران/۱۸۸) را نیز تأکید دانسته و می‌گوید: چون کلامی دگر معترض شد میان مفعول اول و دوم، فعل

عامل با سر گرفت، گفت: «فَلَا تَحْسَبْنَهُمْ»، گفت: مپندار ای محمد آنان را که شادمانه باشند به آنکه کرده باشند، و دوست دارند که ایشان را حمد کنند، و بستایند به آنچه نکرده باشند که ایشان از عذاب برهند. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۰۲/۵) بیضاوی نیز این تکرار را برای تأکید فعل، فاعل و مفعول اول می‌داند. (رک: البیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۵۳/۲)

رازی در آیه ﴿فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَهْمُهُمْ رُؤْيَا﴾ (طارق/۱۷) درباره اینکه چرا فعل «مَهْلٌ» یکبار در باب تفعیل آمده و بار دیگر آن را در باب افعال تکرار کرده‌است، می‌گوید: با دو ساخت متفاوت و برای تأکید تکرار شده‌است. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۳۱/۲۰) قرآن پژوه دیگری نیز می‌گوید: تکرار فعل «أْمُهْلٌ» و شکل دستوری مشتق شده از آن، برای دست‌یافتن به توازن واژگانی ایجادشده آمده‌است تا از این طریق کارکرد بلاغی تأکید حاصل شود. (رک: عبدالرئوف، ۱۳۹۰ش: ۴۲۱)

۵. ۲. تقریر و تثبیت

تقریر و تثبیت نیز از کارکردهای مهم تکرار است. ابوالفتوح درباره تکرار چندین باره آیه ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾ می‌گوید: تکرار بر اختلاف فواید است، چون تقریر به نعمت‌های مختلف کرد، عند ذکر هر نعمتی تکرار تقریر کرد و غرض از تکریر تقریر است و تذکیر و تقریر و توبیخ، چنانکه یکی از ما گوید: «الم احسن الیک بأن اعطیتک، الم احسن الیک بأن خلقتک، الم احسن الیک بأن رفعتک، الم احسن الیک بان خلعت علیک». (همان: ۲۸۶-۲۸۵/۱۸) سید مرتضی نیز می‌گوید تکرار در سوره الرحمن به دلیل تقریر نعمت‌های متعدد نیکو و زیباست. وی درباره اینکه چرا این آیه پس از برخی از آیه‌هایی آمده که در آن ذکر عذاب الهی رفته‌است، می‌گوید: اگر درست بیندیشیم، درمی‌یابیم که اینها نیز نعمت‌های الهی‌اند و وصف این عذاب‌ها سبب می‌شود که انسان‌ها در پی کارهای ناشایست نباشند و این تفضّل الهی به بندگان است. (رک: السید المرتضی، ۱۴۰۳ق: ۸۶/۱)

ابوالفتوح درباره تکرار لفظ «اله» ﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ فِي الْأَرْضِ إِلَهُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ﴾ (زخرف/۸۴) به دو نکته اشاره می‌کند: ۱. تأکید و تمکین معنا در نفس به دلیل جایگاه بلند این معنا در جان انسان؛ ۲. تا بدانند همان‌گونه که عبادت او برای اهل آسمان واجب است برای اهل زمین نیز واجب است. زیرا دلیل آن الوهیت خدا و به‌جا آوردن اصول نعمت‌هاست و این نعمت‌ها هم برای اهل آسمان است، و هم اهل زمین. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۹۵/۱۷) طبرسی نیز می‌گوید: این تکرار برای تأکید است تا معنا در جان انسان بیشتر تمکین و تثبیت یابد. (رک: الطبرسی، ۱۳۷۲ش: ۸۸/۹)

۵. ۳. تذکیر

تذکیر از دیگر کارکردهای اسلوب تکرار است. صاحب «روض الجنان» درباره دلیل

می‌داند. وی می‌گوید: بیان را و عرض کردن مذلت و اقرار به عبودیت و حاجت و قلت استغناء از او و فرع با درگاه او و التذاذ به ذکر او. (رک: ابوالفتوح رازی، ۴۰۸: ۱/۸۱) ابوالفتوح در اینجا به دلالت بلاغی بسنده کرده‌است، اما کرمانی و زرکشی به بیان دلیل نحوی این تکرار نیز پرداخته‌اند. (رک: الکرمانی، بی تا: ۶۶-۶۵؛ الزرکشی، ۱۴۱۰: ۳/۹۷)

۶.۵. مقایسه دو موضوع

ابوالفتوح گاهی نیز کارکرد تکرار یک عبارت یا ترکیب را در قرآن کریم برای مقایسه دو موضوع یا مسأله می‌داند که نشان از نوآوری‌ها و نکته‌سنجی‌های وی در تبیین این اسلوب قرآنی دارد. او در تفسیر آیه ﴿يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدَ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا﴾ (النساء: ۲۶-۲۷) درباره علت تکرار حدیث توبه (يَتُوبَ عَلَيْكُمْ) می‌گوید: «در آیت دوم به آن بازگفت تا مطابقه باشد میان ارادت او و ارادت آنان که فساد خواهند تا مطابقه به مقارنه پیدا شود، که هر چیز به عکس خویش پیدا گردد.» (ابوالفتوح رازی، ۴۰۸: ۵/۳۲۸) یکی از نکته‌سنجی‌های شایان توجه درباره بیان دلیل این تکرار، نظر علامه طباطبائی است. وی می‌گوید: گویا منظور دلالت بر این معنا بوده که بفهماند جمله «وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا» از سه فقره آیه قبلی، فقط مقابل فقره اخیر قرار دارد و اگر جمله «والله يُرِيدُ...» تکرار نمی‌شد و جمله «وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ» به آیه قبلی وصل می‌شد قهراً چنین به نظر می‌رسید که این جمله در مقابل همه فقرات آیه قبلی قرار دارد و آن وقت معنای آیه به‌طور قطع لغو می‌شد.^۱ (رک: الطباطبائی، ۳۹۰: ۴/۲۸۱)

۶. بررسی تفسیری سوره کافرون

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ، وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ، وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ، لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ (کافرون/ ۱-۶)

یکی از ویژگی‌های بلاغی سوره کافرون، وجود اسلوب تکرار در آن است. از نظر سبکی، آیه ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ﴾ تکرار آیه ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ است. اما این دو آیه از نظر سبکی و ساختاری از هم متمایزند. در عین حال آیه سوم ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾ و آیه پنجم ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾ هر دو از نظر ساختاری و سبکی عین هم‌اند. (رک: عبدالرئوف، ۱۳۹۰: ۲۲) اکثر مفسران معتقدند که آیه‌های چهارم و پنجم، تکرار آیه‌های دوم و سوم بوده و کارکردهایی برای آن‌ها ذکر کرده‌اند. در مقابل برخی از مفسران نیز وجود

(۱) فقرات آیه قبل عبارتند از: ۱. ﴿يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ﴾، ۲. ﴿يَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ﴾، ۳. ﴿وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ﴾، و اراده آن‌هایی که پیروی شهوات می‌کنند، نمی‌تواند از بیان خدای متعال که مضمون فقره اول است، جلوگیری و با آن مقابله کند. همچنین نمی‌تواند با هدایت خدای متعال که مضمون جمله دوم است مقابله نماید، خدای متعال برای مسلمانان بیان می‌کند و به سوی سنت‌های گذشتگان هدایت می‌کند، چه آن‌ها بخوانند، و چه نخوانند، پس به همین منظور که جمله «وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ...» به همه فقرات برنگردد و فقط به جمله اخیر برگردد. (طباطبائی، ۱۳۷۴: ۴/۴۹۴)

تکرار را در این سوره نمی‌پذیرند. اینک دیدگاه برخی از مفسران متقدم و معاصر را در این زمینه تشریح و بررسی می‌کنیم.

۶. ۱. طرفداران تکرار در سوره کافرون

در میان مفسران طرفدار تکرار در سوره کافرون، طبری (د: ۳۱۰ق) از نخستین کسانی است که اظهار نظر می‌کند و می‌گوید: تکرار آیه ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ و پس از آن، همانند ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾ (انشرح / ۶۵) برای تأکید است. (رک: الطبری، بی تا: ۶۶۳/۲۴) اما قمی (زنده تا سال ۳۰۷ق)، در بیان دلیل تکرار در این سوره، به روایتی از امام صادق (ع) استناد می‌کند: دلیل تکرار آن است که قریش به رسول خدا (ص) پیشنهادهایی کردند که خداوند مثل گفته آن‌ها را پاسخ داد. در مقابل اینکه گفتند: یک سال تو خدای ما را بپرست، فرمود: «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ». در پاسخ به اینکه گفتند: یک سال ما خدای تو را بپرستیم، فرمود: ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ﴾. در پاسخ به اینکه باز گفتند: یک سال تو خدایان ما را بپرست، فرمود: ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ﴾ و در نهایت در پاسخ به اینکه گفتند: یک سال ما خدای تو را بپرستیم، فرمود: ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَلِي دِينٍ﴾ (رک: القمی، ۴۰۴ق: ۴۶۷/۲)

شیخ طوسی (د: ۴۶۰ق)، تکرار «عبادت» را در سوره کافرون دارای فوایدی می‌داند؛ از جمله اینکه عبادت بت‌ها توسط انسان مؤمن به دلیل قبح آن در گذشته، حال و آینده نفی می‌شود. همچنین عبادت خدا توسط انسان کافر به دلیل جهلش نسبت به یکتاپرستی نفی می‌شود. (رک: الطوسی، بی تا: ۴۲۰-۴۲۲) بغوی (د: ۵۱۰ق)، با تأکید بر اینکه تکرار از شیوه‌های گفتاری در زبان عربی است، این سوره را از مصادیق تکرار می‌داند. (رک: البغوی، ۴۲۰ق: ۳۱۸/۵) فخر رازی (د: ۶۰۶ق)، با بحثی مفصل درباره تکرار یا عدم تکرار، به وجهی اشاره کرده که چندان محل توجه دیگران نبوده است. وی می‌گوید: تکرار در این سوره متضمن نوعی تهکم و استهزا نسبت به مخاطب است؛ زیرا کسی که سخنی را با هدف فاسدی تکرار می‌کند شایسته است که با تکرار پاسخ تحقیرآمیزی به او و سخنش داد. (رک: الرازی، ۴۲۰ق: ۳۳۱/۳۲)

خازن (د: ۷۴۱ق) نیز دو قول را مطرح می‌کند؛ قول اول نبود تکرار در این سوره است. اما طبق قول دوم در این سوره تکرار وجود دارد و افاده تأکید می‌کند و هر چه به تأکید بیشتر نیاز باشد، تکرار نیکوتر است و در هیچ فرازی چون این فراز به تکرار نیاز نیست. (رک: الخازن، ۴۱۵ق: ۴۸۶/۴) ابن کثیر (د: ۷۷۴)، رأی نیکو را این می‌داند که مراد از آیه ﴿لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ﴾ نفی فعل است. زیرا جمله فعلیه است و مراد از ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ﴾ نفی پذیرش آن به‌طور کامل است. زیرا نفی با جمله اسمیه استوارتر و معنایش نفی وقوع و امکان است. (رک: ابن کثیر، ۴۱۹ق: ۴۷۹/۸-۴۸۰)

دیدگاه‌های مفسران معاصر طرفدار تکرار نیز تقریباً همان روایت دیدگاه‌های مفسران متقدم است و اغلب به کارکرد تأکید و ثبات و استمرار اشاره کرده‌اند؛ محمد جمال‌الدین قاسمی (د: ۱۳۳۳ق)، تکرار در این سوره را برای تأکید آیه‌های پیشین دانسته‌است. (رک: القاسمی، ۱۴۱۸ق: ۵۵۸/۹) طالقانی (د: ۱۳۹۹ق)، آیه‌های چهارم و پنجم را تکرار و تأکید آیه‌های دوم و سوم می‌داند که به صورت جمله اسمیه آمده‌اند تا بر ثبات اعراض حضرت رسول از بت پرستی و ثبات کافران در عبادت بت‌ها دلالت داشته باشند. (رک: طالقانی، ۱۳۸۷ش: ۲۸۴/۶) ابن عاشور (د: ۱۳۹۴ق) و سیدمحمد حسین فضل‌الله (د: ۱۴۳۱ق) نیز دیدگاهی نزدیک به طالقانی را مطرح کرده‌اند. (رک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۵۱۱/۳۰؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۴۵۶/۲۴) علامه طباطبائی (د: ۱۴۰۲ق)، با رد دلایل مخالفان تکرار آیه‌های چهارم و پنجم، می‌گوید: این دو آیه تکرار و تأکید مضمون دو آیه قبلی‌اند؛ مثل آیه ﴿فَقَتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ﴾ (مدثر: ۲۰-۱۹) وی حدیث امام صادق (ع) را لطیف و دقیق برشمرده‌است. (رک: الطباطبائی، ۱۳۹۰ق: ۳۷۴/۲۰) وهبه زحیلی (د: ۱۴۳۶ق)، می‌گوید: خداوند با تکرار، بر مضمون سوره تأکید کرده تا کافران را از اینکه رسول خدا بت‌های آنان را بپرستد، ناامید کند و روشن سازد که او فقط خدای یکتا را می‌پرستد. (رک: الزحیلی، ۱۴۱۸ق: ۴۴۲/۳۰) مکارم شیرازی با بررسی آرای مختلف می‌گوید: این تکرار برای تأکید است. (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۳۹۰/۲۷)

۲.۶. مخالفان تکرار در سوره کافرون

اما برخی از مفسران نیز تکرار در این سوره را نپذیرفته‌اند؛ زمخشری (د: ۵۳۸ق)، بی‌آنکه سخنی از تکرار به میان آورد، می‌گوید: با توجه به اینکه حرف «لا» جز بر فعل مضارع در معنای استقبال وارد نمی‌شود، مراد از «لا اعبد» نفی عبادت در زمان آینده است. پس معنای آیه چنین است: من در آینده خواسته شما یعنی پرستش خدا یا بتان را انجام نخواهم داد. شما نیز در آینده درخواست مرا برای پرستش خدا پاسخ نخواهید داد. به اعتقاد وی، آیه‌های چهارم و پنجم برای نفی عبادت در گذشته‌اند. معنای آیه ﴿وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدتُّمْ﴾ نیز این است که من در گذشته نیز هرگز آنچه را شما پرستیده‌اید، نپرستیده‌ام. معنای آیه پنجم ﴿وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَّا أَعْبُدُ﴾ نیز ناظر بر این است که شما هم هرگز آنچه را من پرستیده‌ام، نپرستیده‌اید. (رک: زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۸۰۹/۴-۸۱۰) این دیدگاه زمخشری را برخی از مفسران از جمله ابوحیان (د: ۷۴۵ق)، براساس رأی نحویانی چون سیبویه نادرست خوانده و نقد کرده‌اند (رک: ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۵۵۹/۱۰-۵۶۰) بیان‌الحق نیشابوری (د: حدود ۵۵۰ق)، معتقد است که در این سوره تکرار معنا وجود ندارد. (رک: النیسابوری، ۱۴۱۵ق: ۸۹۴/۲) صاحب «دره التنزیل و غرة التأویل» نیز وجود تکرار را در این سوره رد می‌کند و می‌گوید: اگر کسی آن را تکرار قلمداد کند، از معرفت و تدبر ناچیز اوست. (رک: الخطیب الاسکافی، ۱۴۱۸ق: ۷۱/۱)

زرکشی (د: ۷۹۴ق)، در بحث خود درباره اسلوب تکرار و در بررسی تکرار در سوره کافرون، حدیثی تقریباً با همان مضمون حدیث امام صادق (ع)، از امام حسن (ع) نقل کرده که به جای سال، کلمه ماه در آن ذکر شده است. اما زرکشی آن را تفسیر به عدم تکرار کرده و می گوید: مقصود از این قول آن است که این آیه ها تکرار نیستند. بلکه به اختصار شایسته ترند. (رک: الزرکشی، ۱۴۱۰ق: ۱۰۵/۳)

۳.۶. دیدگاه ابوالفتوح رازی درباره تکرار در سوره کافرون

ابوالفتوح رازی در تفسیر سوره کافرون هم تکرار لفظی را بررسی کرده است، و هم تکرار معنوی را. وی سه وجه را درباره این تکرارها مطرح نموده است. اما همانند برخی از مفسران رأیی را درباره تکرار یا عدم تکرار نپذیرفته و قول صریحی درباره آن ها بیان نکرده است.

وی در وجه اول، به هدف کاربرد تکرار اشاره می کند و می گوید: تکراری که با هدف تأکید صورت می گیرد از گونه ها و فنون کلام عرب است. همان گونه که با هدف اختصار و تخفیف، کلام را حذف و کوتاه می کنند، برای تأکید نیز کلام را تکرار می کنند. وی سپس دو شعر را به عنوان شاهد ذکر می کند:

كَمْ نَعَمَ كَأَنْتَ لَكُمْ كَمْ كَمْ وَكَمْ
 چقدر نعمت هایی که داشته آید، چه اندازه و چه اندازه و چه اندازه).
 هَلَّا سَأَلْتُ جُمُوعٌ كُنْدَهُ يَوْمَ وَلَّوْا أَيْنَ آيْنَا
 (آیا از جماعت قبيله كنده نپرسیدی از روزی که اعراض کردند، به کجا و کجا رفتند).

وی در پایان این وجه به یک نکته دیگر نیز اشاره می کند و می گوید: اگر جمله ای دارای فایده مستقل باشد، نباید آن را بر تأکید حمل کرد.

رازی در وجه دوم، به بررسی معنای زمان افعال روی می آورد و برخلاف دیدگاه زمخشری، می گوید: لفظ «أفعل» صالح باشد حال را و استقبال را، گفت: «لا أعبد ما تعبدون فی الحال ولا أنتم کذلک تعبدون ما أعبد فی الحال»، آنگه برای نفی استقبال کلام از سرگرفت، گفت: «وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ» و نه من پرستم آن معبود را که شما پرستی در مستقبل ایام و نه نیز شما معبود مرا پرستی در مستقبل. (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۴۳۶/۲۰) وی براساس این وجه، معتقد است که با توجه به اینکه مفهوم آیه ها با یکدیگر متفاوت است، بنابراین، در سوره کافرون تکرار وجود ندارد و آن را نیکو می داند. (رک: همانجا) به باور وی در آیه سوم زمان حال برجسته شده، در حالی که تکرار آن در آیه پنجم نشانگر زمان آینده است. بنابراین، اولین و دومین فعل منفی «ما أعبد» نشانگر این معنا هستند که اکنون نمی پرستیم و در آینده نیز نخواهیم پرستید. (رک: عبدالرئوف، ۱۳۹۰ش: ۴۲۲)

ابوالفتوح در وجه سوم، به یک بحث نحوی پرداخته و می گوید: و جواب سه ام از آیت آن

است که اختلاف معنا مستفاد است از «ما» برای آنکه «ما» در آیات اول موصوله است، یعنی «لا أعبد معبودکم ولا أنتم تعبدون معبودی». و در آیات دیگر «ما» مصدری است، «ولا أنا عابد عبادتکم، ای مثل عبادتکم»، گفت: عبادت من چون عبادت شما نباشد، چه عبادت من بر وجه قربت و شکر نعمت باشد و عبادت شما بر وجه متابعت پدران، اقتدا باشد به ایشان بر سبیل تقلید. پس عبادت ما مختلف است از این وجه و «ما» مصدری در کلام عرب معروف و مشهور است و در قرآن و اشعار بسیار آمده است، منها قوله: ﴿وَضَاقَتْ عَلَیْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ﴾ (توبه/۱۱۸) ای «برحبها». (رک: ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق: ۴۳۶/۲۰-۴۳۷)

نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام گرفته نتایج زیر حاصل آمد:

۱. یکی از مهم‌ترین وجوهی که در تفسیر ابوالفتوح رازی تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است، اندیشه‌های بلاغی او و به‌ویژه، علم معانی و نظم قرآنی است.
۲. تکرار، به‌مثابه یکی از فنون علم بلاغت و علم نظم و از مهم‌ترین اسلوب‌های قرآنی، مورد توجه ابوالفتوح بوده و این مفسر انواع آن را بررسی و تشریح کرده است.
۳. ابوالفتوح رازی، انواع مختلف اسلوب قرآنی، یعنی «تکرار لفظی و تکرار معنوی» را در تفسیر خویش بررسی کرده است. وی در تکرار لفظی به گونه‌هایی چون «تکرار یک لفظ»، «تکرار جمله»، و «تکرار آیه» پرداخته و آن‌ها را مورد بحث و بررسی قرار داده است.
۴. مهم‌ترین و اصلی‌ترین کارکردی که ابوالفتوح رازی، همانند اکثر مفسران و عالمان بلاغت، برای اسلوب تکرار در آیات ذکر کرده، «تأکید» است. اما در کنار آن، «تقریر و تثبیت»، «تذکیر»، «تعظیم»، «اظهار فرودستی و بندگی» و «مقایسه دو موضوع» نیز مورد توجه وی بوده است.
۵. این مفسر در تبیین مفاهیم و کارکردهای اسلوب تکرار و دلیل کاربرد آن، افزون بر تأثیرپذیر از دیگران، خود نیز دست به نوآوری‌هایی زده است که شایسته تأمل است؛ برای مثال، بررسی و بیان کارکردهایی چون «اظهار فرودستی و بندگی» و «مقایسه دو موضوع» از جمله این نوآوری‌هاست.
۶. مفسران درباره وجود تکرار در سوره کافرون اختلاف نظر دارند. اغلب آنان رأی به وجود تکرار داده و تأکید را مهم‌ترین کارکرد آن می‌دانند. اما ابوالفتوح با آنکه بحث مفصلی درباره تکرار در این سوره کرده، رأی را درباره تکرار یا عدم تکرار نپذیرفته و قول صریحی بیان نکرده است.
۷. این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای برای پژوهش و تحقیق در مسائل و مباحث بلاغی به‌ویژه، علم معانی و نظم قرآنی این تفسیر شیعی پارسی سده ششم هجری باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (۱۴۲۱ق): «المحکم والمحیط الأعظم»، تحقیق: عبدالحمید هنداوی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق): «التحریر والتنویر»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم»، تحقیق: محمد حسین شمس الدین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور (۱۴۱۲ق): «لسان العرب»، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابو حیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق): «البحر المحیط فی التفسیر»، تحقیق: صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر.
- ابوزهره، محمد (۱۳۷۰ش): «معجزه بزرگ: پژوهشی در علوم قرآنی»، ترجمه محمود ذبیحی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.
- ابوالفتوح رازی (۱۳۵۲ش): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، تصحیح: میرزا ابوالحسن شعرانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: اسلامیة.
- ابوالفتوح رازی (۱۴۰۸ق): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، تصحیح: محمدمهدی ناصح و محمدمجعرف یاحقی، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش های اسلامی.
- اسلامیة، حمیدرضا (۱۳۸۴ش): «ویژگی ها و منهج تفسیری روض الجنان»، بینات، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
- اعتمادی، زهره (۱۳۸۰ش): «مباحث علوم قرآن در تفسیر ابوالفتوح رازی»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.
- البغوی، ابو محمد (۱۴۲۰ق): «معالم التنزیل فی تفسیر القرآن»، تحقیق: عبدالرزاق المهدی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- البقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷ق): «نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور»، تحقیق: عبدالرزاق غالب مهدی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- بلاطه، عیسی (۱۳۹۴ش): «تفسیر بلاغی قرآن: اعجاز و موضوعات مرتبط»، ترجمه مهرداد عباسی، رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن، ویراسته اندرو ریپین، به کوشش و ویرایش مهرداد عباسی، تهران: حکمت.
- البیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق): «أنوار التنزیل و أسرار التأویل»، اعداد: محمد مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- التفازانی، سعدالدین (۱۳۸۳ش): «مختصر المعانی، قم: دار الفکر.
- التفازانی، سعدالدین (۱۳۹۲ش): «شرح المختصر»، تحقیق: عبدالمتعال الصعیدی، قم: دار الحکمة.
- التهانوی، محمد بن علی (۱۹۹۶م): «موسوعه کشف اصطلاحات الفنون و العلوم»، تحقیق: علی دحروج، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- الجوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق): «الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)»، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- الخازن، علی بن محمد (۱۴۱۵ق): «الباب التأویل فی معانی التنزیل»، تحقیق: محمد علی شاهین، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خرقانی، حسن (۱۳۹۲ش): «زیباشناسی قرآن از نگاه بدیع»، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- خرقانی، حسن (۱۳۹۸ش): «علوم بلاغی و زیباشناختی قرآن (۲)»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- الخطیب الاسکافی، محمد بن عبدالله (۱۴۱۸ق): «دره التنزیل و غره التأویل»، تحقیق: محمد مصطفی آیدن، مکه المكرمة: جامعه أم القرى.
- الریازی، فخرالدین (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکبیر»، اعداد: مکتب تحقیق دار احیاء التراث العربی، بیروت: دار

- احیاء التراث العربی.
- الزبیدی، مرتضی (بی تا): «تاج العروس من جواهر القاموس»، تحقیق: مجموعه من المحققین، بی جا، دارالهدایة.
- الرحیلی، وهبه بن مصطفی (۱۴۱۸ق): «التفسیر المنیر فی العقیدة والشریعة والمنهج»، دمشق: دارالفکر المعاصر.
- الزرکشسی، بدرالدین (۱۴۱۰ق): «البرهان فی علوم القرآن»، تحقیق: جمال حمدی الذهبی و دیگران، بیروت: دارالمعرفة.
- الزمخشری، جارالله (۱۴۰۷ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، تحقیق: مصطفی حسین احمد، بیروت: دارالکتب العربی.
- سجادی، سیدابراهیم (۱۳۸۴ش): «تأویل در تفسیر روض الجنان و روح الجنان»، پژوهشهای قرآنی، سال یازدهم، شماره ۴۱.
- السید المرتضی (۱۴۰۳ق): «الامالی»، تحقیق: محمد بدرالدین الحلبي، قم: کتابخانه آیة الله العظمی مرعشی نجفی.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۳۸۰ش): «ترجمه الاتقان فی علوم القرآن»، ترجمه مهدی حائری قزوینی، تهران: امیرکبیر.
- شمس، سیروس (۱۳۸۶ش): «نگاهی تازه به بدیع» (ویرایش سوم)، تهران: میترا.
- ضیف، شوقی (۱۳۹۶ش): «تاریخ و تطور علوم بلاغت»، ترجمه محمدرضا ترکی، تهران: سمت.
- طالقانی، سیدمحمود (۱۳۸۷ش): «پرتوی از قرآن»، تهران: آرون.
- الطباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ش): «ترجمه تفسیر المیزان»، ترجمه محمداقبر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- الطبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، تهران: ناصرخسرو.
- الطبری، محمد بن جریر (بی تا): «جامع البیان عن تأویل آی القرآن»، تحقیق: محمود محمد شاکر، القاهرة: مكتبة ابن تیمیة.
- الطوسی، محمد بن حسن (بی تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، تحقیق: احمد حبیب عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالرئوف، حسین (۱۳۹۰ش): «سبک‌شناسی قرآن کریم»، ترجمه پرویز آزادی، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- فضل الله، سیدمحمد حسین (۱۴۱۹ق): «من وحی القرآن»، بیروت: دارالملاک.
- الفیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا): «القاموس المحيط والقبوس الوسیط فی اللغة»، بیروت: دارالعلم للجمع.
- قائمی نیا، علیرضا (۱۳۹۰ش): «معناشناسی شناختی قرآن»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- القاسمی، محمد جمال الدین (۱۴۱۸ق): «محاسن التأویل»، تحقیق: محمد باسل عیون السود، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق): «تفسیر القمی»، تحقیق: طیب الموسوی الجزائری، قم: دارالکتب.
- کرمانی، محمود بن حمزة (بی تا): «اسرار التکرار فی القرآن»، تحقیق: عبدالقادر احمد عطاء، بی جا، دارالفضیلة.
- کواز، محمد کریم (۱۳۸۶ش): «سبک‌شناسی اعجاز بلاغی قرآن»، ترجمه حسین سیدی، تهران: سخن.
- مجمع اللغة العربیة بالقاهرة (بی تا): «المعجم الوسیط»، القاهرة: دارالدعوة.
- مظفری، سودابه، ناعمی، زهره. اشکوری، سیدعدنان. و بابایی، شهلا (۱۳۹۹ش)، «پژوهشی تحلیلی پیرامون انواع سیاق، در تفسیر روض الجنان و روح الجنان»، پژوهشهای تفسیری تطبیقی، سال ششم،

- شماره ۱۱.
- مکارم ششیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش): «تفسیر نمونه»، با همکاری جمعی از دانشمندان، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 - مهدوی‌راد، محمدعلی (۱۳۶۶ش): «شناسایی کتاب روح الجنان یا روض الجنان»، حوزه، سال چهارم، شماره ۲۰.
 - نبی‌لو، علی‌رضا (۱۳۸۴ش): «بررسی سبک تفسیری ابوالفتوح رازی»، مجموعه مقالات کنگره شیخ ابوالفتوح رازی رحمه‌الله، ج ۲، قم: دارالحدیث.
 - نقیب‌زاده، محمد (۱۳۹۸ش): «درس‌نامه کاربرد علوم بلاغی در تفسیر»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 - النیسابوری، محمود بن ابی‌الحسن (۱۴۱۵ق): «ایجاز البیان عن معانی القرآن»، تحقیق: حنیف بن حسن القاسمی، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
 - یعقوب، امیل بدیع و عاصی، میثال (۱۴۳۲ق): «المعجم المفصل فی اللغة والادب»، قم: ناب مصطفوی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

Bibliography

- The Holy Quran
- Abu al-Futūh Rāzī, (1408A.H): "Rawḍ al-Jinān and Rawḥ al-Janān fī Tafsīr al-Qurān", researched by: Muhammad Mahdi Nāsih and Muhammad Ja'far Yāḥaqī, Mashhad: Islamic Research Foundation of Āstān Quds Raḍawī.
- Abū al-Futūh Rāzī (1352A.H.): "Rawḍ al-Jinān wa Rawḥ al-Janān fī Tafsīr al-Qurān", researched by: Mirzā Abul-Ḥasan Sha'rānī, researched by 'alī Akbar Ghaffārī, Qum: Islāmīah.
- Abū Ḥayyān, Muhammad bin Yusuf (1420A.H): "Al-Bahr al-Muhīt fī al-Tafsīr", researched by: Sidqī Muhammad Jamīl, Beirut: Dār al-Fikr.
- Abū Zahrah, Muhammad (1370 S.H.): "The Great Miracle: a Study in Quranic Sciences", translated by: Mahmūd Dhabīhī, Mashhad: Āstān Quds Razavi.
- Academy of The Arabic Language in Cairo (Bita): "Al-Mu'jam al-Wasīṭ", Cairo: Dār al-Da'wah.
- 'abd al-Rāūf, Husiyn (1390 S.H.): "stylistics of the Holy Qur'an", translated by: Parvīz Āzādī, Tihraan: Imām Ṣādiq University.
- Al-Baghawī, Abū Muhammad (1420A.H): "Ma'ālim al-Tanzīl fī Tafsīr al-Qurān", Research by: Abd al-Razzāq al-Mahdī, Beirut: Dar iḥyā' al-Turath al-'arabī.
- Al-Bayḍāwī, 'abdullāh bin 'umar (1418A.H): "Anwār al-Tanzīl and Asrār al-Tāwīl", by effort: Muhammad Mar'ashlī, Beirut: Dār 'iḥyā' Al-Turath al-'arabī.
- Al-Biqā'i, Ibrāhīm Ibn 'umar (1427AH): "Naẓm Al-Durar fī tanāsūb Al-ayāt wa Al-suvar", Research by: 'abd al-Razzāq Ghalib Mahdī, Beirut: Dār Al-Kutub Al-'ilmīyah.
- Al-Fīrūzābādī, Muḥammad bin Ya'qūb (Bita): "Al-Qāmūs al-Muhīt wa Al-Qābūs al-Wasīṭ fī al-Lughah", Beirut: Dār al-'ilm l- al-Jamī'.
- Al-Jawāhīrī, 'smā'īl bin Hammād (1407A.H): "Al-Sihāh (Tāj Al-Lughah wa Sihāh al-Arabīyah)", researched by: Aḥmad 'abd Al-Ghafūr 'aṭṭār, Beirut: Dar al-'ilm Lilmalāim.
- Al-Khatīb al-'skāfi, Muhammad bin Abdullāh (1418A.H): "Durrah al-Tanzīl wa Gharrah al-Tāwīl", researched by: Muhammad Muṣṭafā Āyḍīn, Mecca: Umm Al-Qura University.
- Al-Khāzin, 'ali bin Muhammad (1415A.H): "Lubāb al-Tāwīl fī Ma'ānī al-Tanzīl", researched by: Muhammad Ali Shahīn, Beirut: Dar Al-Kutub Al-'ilmīyah.
- Al-Kirmānī, Maḥmūd bin Ḥamzah (Bita): "Asrār al-Tikrār fī Al-Qur'an", researched by: 'abdul Qādir Aḥmad 'atā', Bija, Dār al-Faḍīlah.
- Al-Niṣābūrī, Maḥmūd bin Abī al-Hassan (1415A.H): "'ijāz al-Bayān 'an ma'ānī al-Qur'an", researched by: Ḥanīf bin Hassan al-Qāsimī, Beirut: Dār al-Gharb al-'islāmī.
- Al-Qasimī, Muḥammad Jamāl al-dīn (1418A.H): "Maḥasin al-Tāwīl", Researched by: Muḥammad Bāssil 'uūn Al-Sūd, Beirut: Dar al-Kutub al-'ilmīah.
- Al-Rāzi, Fakhr al-dīn (1420A.H): "Al-Tafsīr Al-Kabīr", by effort: Maktab Tahqīq Dar iḥyā' al-Turath al-'arabī, Beirut: Dar 'iḥyā' al-Turath al-'arabī.
- Al-Sayyid al-Murtaḍā (1403A.H): "al-'amālī", researched by: Muhammad Badr al-Dīn al-Ḥalabī, Qum: Mar'ashī Najafī Library.

- Al-Ṭabarī, Muḥammad bin Jarīr (Bīta): "Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr Āy al-Qur'an", researched by: Maḥmūd Muḥammad Shākīr, Cairo: Ibn Taymiyyah Library.
- Al-Ṭabarsī, Faḍl bin Ḥassan (1372 S.H.): "Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'an", researched by: Faḍlullāh Yazdī Ṭabāṭabā'ī and Hāshim Rasūlī, Tihṙān: Nāssīr Khusrū.
- al-Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Husiyn (1390S.H): "Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an", Beirut: Al-Alami Foundation for Publications.
- Al-Tahānavī, Muhammad bin 'ali (1996): "Mawsū'a Kaššāf Istīlāḥāt Al-Funūn wa Al-'ulūm", Researched by: 'alī Daḥrūj, Beirut: Maktabah Lobnān Nāshirūn.
- Al-Ṭūsī, Muḥammad bin Hassan (Bīta): "al-Tibyān fī Tafsīr al-Qur'an", researched by: Aḥmad Ḥabīb 'āmīlī, Beirut: Dār Iḥyā' Al-Turāath Al-'araby.
- Al-Zabīdī, Murtizā (Bīta): "Tāj al-'arūs min Jawāhir Al-Qāmūs", researched by: a group of researchers, Bīja, Dār al- Hidāyah.
- Al-Zamakhsharī, Jarullūh (1407A.H): "Al-Kaššāf 'an Ḥaqā'iq Ghawāmiḍ al-Tanzil", researched by: Mušṭafā Husiyn Aḥmad, Beirut: Dār al-Kitāb al-'arabī.
- Al-Zarkashī, Badr al-dīn (1410A.H): "Al-Burhān fī 'ulūm al-Qur'an", researched by: Jamāl Ḥamdī al-Dhahabī and others, Beirut: Dār al-Ma'rīfah.
- Al-Zuhaylī, Wahbah bin Mušṭafā (1418A.H): "al-Tafsīr al-Munīr fī al-'aqidah wa al-Sharī'ah wa al-Manhaj", Damascus: Dār al-Fikr al-Mu'āshir.
- Boullata, Issa (1394 S.H.): " The Rhetorical Interpretation of the Qur'an: I'jāz and Related Topics ", translated by: Mihrdād 'abbāsī, Approaches to the History of Quran Interpretation, edited by: Andrew Ripin, Tihṙān: Ḥikmat.
- Ḍayf, Shuqī (1396 S.H.): "Rhetoric: History and Evolution", translated by: Muhammad Rizā Turkī, Tihṙān: SAMT.
- E'timādī, Zuhrih (1380 S.H.): "Topics of Quranic Sciences in the Abū al-Futūḥ Rāzī, Tafsīr ", Master's Thesis, Faculty of Foreign Languages, Islamic Azad University Tehran North Branch.
- Faḍlullāh, Sayyid Muḥammad Husiyn (1419A.H): "Min Waḥy Al-Qur'an", Beirut: Dār al-Milāk.
- Ibn 'ashūr, Muhammad Tāhir (1420A.H): "al-Tahrir and al-Tanwīr", Beirut: Mūassasah al-Tārikh al-'araby.
- Ibn Kathīr, Ismā'īl bin 'umar (1419A.H): "Tafsīr al-Quran al-'azīm", researched by: Muhammad Husiyn Shamsuddīn, Beirut: Dar al-Kitāb al-'ilmiyyah.
- Ibn Manzūr (1412A.H): "Lisān al-Arab", researched by: 'ali Shīry, Beirut: Dār Iḥyā' Al-Turāath Al-'araby.
- Ibn Sidah, Ali Ibn 'smā'īl (1421A.H): "Al-Muḥkam Wa al-Muḥīt Al-A'zam", researched by: 'abdul Ḥamīd Hindāwi, Beirut: Dār Al-Kitāb Al- 'ilmiyyah.
- Islāmiyīah, Ḥamīdrizā (1384S.H.): "Characteristics and interpretive method of Rawz al-Janān", Bayyināt, year: 12, Issue: 47.
- Kawwāz, Muḥammad Karīm (1386S.H.): "stylistics of the rhetorical wonders of the Qur'an", translated by: Husiyn Sayyidī, Tihṙān: Sukhan.
- Kharqānī, Ḥasan (1392S.H.): "The Aesthetics of the Quran in the View of the Science of Rhetorical Figures ('ilm al-badī')", Mashhad: Razavī University of Islamic Sciences.

- Kharqānī, Ḥasan (1398S.H.): "Qur'an Rhetoric and Aesthetics (2)", Qum: Research Institute of Hawzah and University.
- Mahdāvīrād, Muḥammad 'alī (1366S.H.): "Identification of the book Rawḍ al-Jinān wa Rawḥ al-Janān", Hawzih, year: 4, Issue: 20.
- Makārim Shīrāzī, Nāssir (1371S.H.): "Tafsir Nimūnih", with the cooperation of other authors, Tih-rān: Dār al-Kitab al-'islāmiyyah.
- Muẓaffarī, Sūdābih. Na'imī, Zuhrih. Ashkūrī, Siyyid 'adnān and bābā'ī shahla (1399A.H.): "An Analytical Research on the Variety of Styles in "Rawz al-Jinan va Rouh al-Jinan", Comparitave Tafsir Studies, year: 6, Issue: 11.
- Nabilū, 'alī Rizā (1384S.H.): "Analysis of Abū al-Futūh Rāzī's interpretive style", Collection of articles of Sheikh Abū al-Futūh Rāzī's Congress, vol. 2, Qum: Dār al-Hadīth.
- Naqībẓādīh, Muḥammad (1398S.H.): "textbook on the use of rhetorical sciences in interpretation", Qum: Research Institute of Hawzeh and University.
- Qā'imīnyā, 'alī Riḍā (1390S.H): "the Cognitive Semantics of the Qur'an", Tih-rān: Research Institute for Islamic Culture and Thought.
- Qumī, 'alī bin 'ibrāhīm (1404A.H): "Tafsīr al-Qumī", researched by Ṭayyib Al-Mūsawī Al-Jazā'irī, Qum: Dār al-Kitāb.
- Sajjādī, Sayyid Ibrāhīm (1384S.H): "Hermeneutics in the interpretation of Rawḍ al-Jinān wa Rawḥ al-Janān", Qur'anic Researches, year: 11, Issue: 41.
- Shamisa, Sirous (1386S.H): "Figures of speech: A new outline" (3rd edition), Tehran: Mitra.
- Sīūfī, 'abd-alraḥmān bin Abi Bakr (1380S.H.): "translation of al-'tqān fī 'ulūm al-Qur'an", translated by: Mehdī Hā'irī Qazvīnī, Tih-rān: Amīr Kabīr.
- Ṭabāṭabā'ī, Muḥammad Husiyn (1374 S.H.): "translation of Tafsīr Al-Mīzān fī Tafsīr al-Qur'an", by Muḥammad Bāqir Mūsavī, Qum: Society of Seminary Teachers of Qum.
- Ṭāliqānī, Sayyid Maḥmūd (1387S.H.): "A ray from the Qur'an", Tih-rān: Arūn.
- Ya'qūb, 'imīl Badī' and Mīshāl 'āshī (1432A.H): "Al-Mu'jam al-Mufaṣṣal fī al-Lughah Wa al-adab", Qum: Nāb Muṣṭafawī.
- Al-Taftāzānī, Sa'd al-dīn (1383S.H.): "Mukhtaṣar al-Ma'anī", Qum: Dār Al-Fikr.
- Al-Taftāzānī, Sa'd al-dīn (1392S.H.): "Sharḥ Al-Mukhtaṣar", researched by: 'abd Al-Muta'al Al-Ṣa'idī, Qum: Dār al-Ḥikmah.